

# چگونگی انجام

# وضو

## نزد فریقین (۱)



علی قهی

چکیده

وضو، عملی است برای رسیدن به طهارت معنوی که مسلمانان روزانه با آن سر و کار دارند و مقدمه برای برخی عبادات؛ مانند نماز است. همچنین شخص مکلف باید پیش از طواف کعبه، مسح کلمات و خطوط قرآن کریم و... دارای وضو باشد.

گرچه فریقین؛ شیعه و سنی، در اصل وجوب وضو و مواضعی که باید شسته شود، نظرات مشترک دارند، لیکن در فرایض، نواقض و... همچنین در شیوه و روش انجام و محدوده اعضای وضو اختلاف آراء و نظریات وجود دارد.

اثر حاضر بر آن است تا چگونگی ساختن وضو در نزد فریقین را از جهت فقهی بررسی کرده و موارد اختلاف و اشتراک فریقین را مستنداً بیان کند.

در سیر پژوهش حاضر، دیدگاه فریقین، همراه با ادله، بدون هیچگونه داوری بیان گردیده است، تا اهل نظر و انصاف با مطالعه آن، به داوری بنشینند و وضوی صحیح و مجزی را برگزینند.

پیرامون تفسیر آیه وضو نزد فریقین و برداشت ایشان از این آیه شریفه و کیفیت شستن دست ها و محدوده صورت، همچنین نحوه انجام مسح سر و وظیفه مکلف در پاهای عندالفریقین، بحث و بررسی‌هایی صورت گرفته که امیدواریم با مطالعه پژوهش در بخش‌های بعدی، یافته‌هایی بر خواننده گرامی روشن شود، *إن شاء الله تعالی*.

شماره ۸۷ و ۸۸ / بهار و تابستان ۱۳۹۳

میتاق

۲۸

اختلاف فکری و عملی مسلمانان در مسائل نظری و اکتسابی که از شارع مقدس بیان روشنی در این زمینه وارد نشده و در عصر پیامبر خدا ﷺ هم مورد ابتلای مسلمانان نبوده، امری عادی است ولی آنچه جای تعجب و تأسف دارد؛ اختلاف مسلمانان در اموری است که از آغاز اسلام و بعثت حضرت رسول، در طول شبانه روز، چندین بار مورد عمل ایشان بوده و در مرئی و منظر مسلمین این عمل عبادی صورت می‌گرفته است. یکی از اعمال و تکالیف مورد اختلاف میان مسلمانان «وضو» است که مقدمه و لازمه نمازهای واجب می‌باشد؛ در حالی که آنان روزانه چندین مرتبه شاهد وضوی پیامبر خدا ﷺ بوده‌اند و حضرت هم برای هر نماز وضو می‌گرفته است.<sup>۱</sup> تا جایی این عمل در برابر دیدگان مسلمین بوده که گفته‌اند هنگام وضو گرفتن آن حضرت، مسلمانان بر سر آبی که از اعضای مبارکشان به زمین می‌ریخت، نزاع نموده و به آن تبرک می‌جستند و طلب شفا می‌کردند.<sup>۲</sup>

بنابراین، شک نیست که مسلمانان در عصر رسالت پیامبر ﷺ، از اعمال و افعال عبادی آن حضرت تبعیت می‌کردند و شارع مقدس به واسطه حضور میان مسلمین، از اختلاف و انحراف ایشان جلوگیری می‌کرد. پس اختلاف مسلمین در وضو، بعد از رحلت پیامبر خدا ﷺ آغاز گردید و اجتهادها و تأویل‌ها و تفسیرهای به رأی از ناحیه غیر معصومین بر این امر دامن زده و یکی از واضح‌ترین و بدیهی‌ترین اعمال عبادی در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است. لذا یکی از راه‌های دستیابی به وحدت اسلامی، بررسی آرا و نظریات فقهی مسلمانان است که به صورت مقارن، نقد منصفانه علمی و عرضه آن به کتاب و سنت با اتفاق نظر انجام بگیرد تا این حجاب از چهره احکام واقعی اسلام برداشته و مسلمانان با وحدت به آن عمل نمایند؛ زیرا ریشه اکثر اختلاف‌های آنان از ناآگاهی به احکام واقعی اسلام سرچشمه می‌گیرد.

## مسأله تحقیق و ضرورت آن

یکی از نقاط اختلاف میان مسلمانان، نوع وضو گرفتن است که هر گروهی مدعی اند عمل آنان مطابق شرع مقدس اسلام و سنت نبوی است! این اختلاف در تمامی اجزای وضو، با اتفاق بر ارکان آن، جاری است؛ شستن صورت و دست‌ها اجمالا از موارد اتفاقی است اما در روش شستن دست‌ها

و چگونگی مسح سر و پاها، اختلاف وجود دارد که باید با توجه به آیه وضو که در پی می‌آید و تفسیر آن نزد فریقین و رجوع به کتب فقهی ایشان نقاط اختلاف روشن شود. از آنجا که وضو در آموزه‌های دینی؛ اعم از کتاب و سنت، مورد تأکید و اهتمام ویژه است و مسلمانان به پیروی از این آموزه اتفاق نظر دارند، لذا خداوند متعال طهارت قبل از عبادت را واجب و سرّ آن را پاکی دانسته است؛ «مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ»<sup>۳</sup> و چنان که از ظواهر کتاب و سنت برمی‌آید، وضو در میان اعمال عبادی، از اهمیت بالایی برخوردار است؛ پیامبر گرامی اسلام در این رابطه فرموده‌اند:

«لَا صَلَاةَ إِلَّا بِطَهُورٍ»<sup>۴</sup> «نماز بدون طهارت صحیح نیست.»

و امام صادق علیه السلام فرمود: «الْوُضُوءُ شَطْرُ الْإِيمَانِ»؛ «وضو نیمی از ایمان است» حال که وضو از نگاه شریعت اسلامی در چنین جایگاهی است، بر هر مسلمانی واجب است که از ارکان، نواقض و مبطلات آن، که کتب فقهی و سیره پیامبر گرامی اسلام عهده‌دار بیان آنها هستند، آگاه شود.

### پیشینه پژوهش

در مورد وضو پژوهش فراوان و گوناگونی در فقه فریقین انجام گرفته که تکیه گاه عمده این پژوهش‌ها آیه وضو است. با توجه به اشتراک استدلال فریقین در موضوع وضو، این بحث از اهمیت زیادی برخوردار است. اما چگونگی استدلال شیعی و سنی، با توجه به تفاوت نگاه تفسیری و مساعدت روایات معصومین علیهم السلام در فقه شیعی متفاوت بوده است.

### تاریخچه موضوع

به اجماع سیره نویسان، مورخان و محدثان، وضو در مکه و در آغاز بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله تشریح شد<sup>۵</sup> و جبرئیل امین وضو و نماز را به پیامبر صلی الله علیه و آله تعلیم داد که در ذیل به دو گزارش تاریخی از فریقین اشاره می‌کنیم:

علی بن عیسی اربلی (از علمای شیعه) نقل کرده که علی ابن ابراهیم بن هاشم در کتاب خود این گونه آورده است:

«هنگامی که جبرئیل امین بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، آبی از آسمان بر او آمد و

گفت: ای محمد، برخیز و برای نمازت وضو بگیر. پس جبرئیل امین شیوه ساختن وضو را به حضرت آموزش داد. او صورت و دست‌ها را تا مرفق شست، سر و پاها را تا کعبین مسح کرد، آنگاه رفتن به سجده و رکوع را تعلیم داد...»<sup>۶</sup>

جلال الدین سیوطی (از علمای اهل سنت) در این باره اینگونه نقل می‌کند: «بیهقی و ابونعیم از عروة بن زبیر نقل کرده‌اند: هنگامی که جبرئیل امین در آغاز بعثت بر نبی گرامی ﷺ نازل شد، چشمه‌ای از آب جاری ساخت، آنگاه وضو گرفت و در این حال پیامبر به او می‌نگریست. پس او صورت و دست‌های خود را تا مرفق شست. سر و پاها را تا کعبین مسح کرد. سپس پیامبر ﷺ همانند جبرئیل امین وضو گرفت و به تعلیم او، دو رکعت نماز خواند.»<sup>۷</sup>

با اختلاف کمی که در این دو نقل وجود دارد، ولی هر دو نقل در نفی شستن پاها متفق‌اند و این بیانگر آن است که نخستین وضوی گرفته شده به وسیله پیامبر ﷺ به آموزش جبرئیل، مسح پاها بوده است. از این رو، برخی از فقهای اهل سنت هم در مقام وظیفه بودن شستن پاها به تردید افتاده و با تکیه بر شواهد تاریخی، روش وضو گرفتن پیامبر در اولین مرتبه را مستند این سخن قرار داده‌اند. با توجه به آنچه گذشت و روایات فراوانی که در چگونگی انجام وضوی تشریح شده در صدر اسلام وارد گردیده، پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود که:

- اختلاف در انجام وضو از چه زمانی آغاز شد؟

- اختلاف کنندگان چه کسانی بوده‌اند؟

- سرچشمه این اختلاف چه چیزی بوده است؟! و...

## آغاز اختلاف

با نگاهی به روایات و تاریخ اسلام، در می‌یابیم که تا دوران حکومت خلیفه سوم اختلاف چندانی در چگونگی انجام وضو وجود نداشته و به صورت رسمی اختلاف در روش وضو گرفتن در زمان وی آغاز شده و تا به امروز میان مسلمین باقی مانده است. دلیل بر این گفته را در برخی از گزارش‌های تاریخی به وضوح می‌توان دید:

۱. صاحب کنز العمال از ابن مالک دمشقی نقل می‌کند که گفت: «برای ما نقل شده، همانا عثمان بن عفان در عصر خلافت خود درباره وضو، اختلاف نمود.»<sup>۸</sup>

۲. مسلم با ذکر سند از حمران نقل کرده است: «من برای عثمان آب وضو آوردم، پس او وضو گرفت و گفت: عده‌ای از مردم احادیثی را از پیامبر خدا ﷺ نقل می‌کنند که من نمی‌دانم، آگاه

باشید! همانا من فرستاده خدا را دیدم که مثل این وضوی من، وضو گرفت.<sup>۹</sup>  
علاوه بر آنچه در دو روایت فوق گذشت، در برخی از اسناد روایی و تاریخی کیفیت وضوی  
عثمان به وضوح بیان شده که حاکی از چگونگی وضوی او می‌باشد:  
نورالدین هیشمی گوید:

«... [عثمان] صورت خود را سه مرتبه شست، سپس آب روی دست راستش  
ریخت. آن را هم سه مرتبه شست و دست چپش را نیز سه مرتبه، آنگاه سر خود را  
مسح کرد و بعد از آن، روی پای راستش آب ریخت و آن را هم سه مرتبه شست  
و روی پای چپش هم آب ریخت و آن را نیز سه مرتبه شست. پس از آن، رو به  
حاضران کرد و ایشان را به خداوند سوگند داد که به راستی می‌دانند پیامبر خدا ﷺ  
آنگونه وضو می‌گرفت که من وضو گرفتم؟ همه گفتند: آری...»<sup>۱۰</sup>

از این پس بود که برای انجام وضو دو روش در میان مسلمانان به طور رسمی آغاز گردید و  
خلیفه نیز با استناد روش خود به سنت فعلی پیامبر، آن را مشروعیت بخشید و مدعی بود که  
رسول الله را دیده، مانند وضوی او، وضو می‌گرفته است؛ «من رسول الله ﷺ را دیدم که همانند  
وضوی من وضو ساخت.»<sup>۱۱</sup>

روش ابداعی عثمان در میان مسلمانان و بخصوص مدافعان خلیفه جا باز کرده طرفدارانی را  
گرد آورد، اما نکته جالب توجه این است که از این پس برخی دیگر هم دخل و تصرف‌های دیگری  
در وضو انجام داده و گاه با اجتهادهای متعصبانه و سرخود، احکامی در وضو را تغییر دادند. به عنوان  
نمونه، ابی داود می‌گوید:

«معاویه، برای آموزش مردم وضو گرفت، مثل وضوی خلیفه و مدعی شد که  
رسول الله را در گرفتن وضو اینگونه دیدم؛ چون به سرش رسید یک کف آب برداشت  
و در وسط سرش ریخت که قطره قطره جاری شد سپس از جلو سرش به طرف عقب  
و از عقب سر به طرف جلو آن مسح کرد.»<sup>۱۲</sup>

بدین ترتیب مسح سر را برخلاف صریح آیه قرآن به شستن آن تبدیل کردند و هر کس این  
عمل را انجام دهد وضویش صحیح بوده و تنها دلیلی که بر جواز شستن سر در وضو اقامه شده همین  
عمل معاویه است.<sup>۱۳</sup>

این در حالی بود که عثمان در هنگام تعلیم وضو می‌گفت: «من وضوی پیامبر ﷺ را حکایت می‌کنم  
و با همان رطوبت باقی مانده در دست‌ها فقط جلو سرش را مسح می‌کرد.»<sup>۱۴</sup>

در مقابل وضوی ابداعی عثمان، وضویی بود که شیعیان و اصحاب ائمه علیهم السلام به آن عمل می‌کردند. پس، وضویی که اکنون شیعیان می‌گیرند، با فعل و یا تقریر معصومین علیهم السلام تأیید گردیده است. مرحوم کلینی با سند متصل از زراره و ابن بکیر آورده است:

«از امام باقر علیه السلام درباره وضوی پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدیم. حضرت طشت آبی طلبید و با دست راست خود، کفی آب برداشته، به صورت خود ریخت و آن را شست. سپس با دست چپ، کفی دیگر برداشت و روی دست راستش ریخت و از مرفق به طرف انگشت‌ها شست و آب را به سوی آرنج برنگرداند. آنگاه با دست راست خود، یک کف آب برداشته روی دست چپش ریخت و آن را هم مانند دست راست، از مرفق به سوی انگشت‌ها شست. سپس سر و پاهای خود را با همان نم باقی مانده در دستش، مسح نمود و برای مسح، آب جدید نگرفت. آنگاه به آیه مبارکه استدلال کرد و فرمود: وقتی به قسمتی از سر و از نوک انگشت‌ها تا کعبین پاها مسح کردید کفایت می‌کند. عرض کردیم: کعبین کجاست؟

حضرت با دست اشاره کرد به استخوان برجسته در روی پا که پایینتر از استخوان ساق پا قرار دارد و فرمود: این کعب است.»<sup>۱۵</sup>

این دو روش وضو ساختن از دوران عثمان آغاز و تا زمان حاضر ادامه پیدا کرده است.

## دیدگاه فریقین در آنچه می‌توان با آن وضو ساخت

از آنجا که انجام وضو باید با آب باشد، برای آن شرایطی گفته‌اند که در مواردی میان فریقین اتفاق است و در برخی از حالات اختلاف نظر وجود دارد که در ذیل به شرح آنها می‌پردازیم:

### آب دریا

فقها بر این باورند که وضو ساختن با آب دریا (بحر) در صورتی که آب دیگری هم در دسترس باشد جایز است.

هر چند عبدالله بن عمر و عبدالله بن عمرو بن عاص گفته‌اند: تیمم نزد ما محبوب‌تر از وضو با آب دریاست.

سعید بن مسیب نیز هنگام فقدان آب، وضو با آب دریا را جایز شمرده است.<sup>۱۶</sup> دلیل امامیه برگفتار خویش، دو آیه زیر است:

۱. آیه ۴۸ سوره فرقان (وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا) که شامل آب دریا نیز شده و اسم آب بر آن صادق است.

۲. آیه ۴۳ سوره نساء (فَلَمْ يَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا) که شرط تیمم را عدم وجود آب دانسته است.

همچنین سنت و روش پیامبر اعظم مؤید این گفتار می‌باشد.<sup>۱۷</sup>

### مسح صورت و دست‌ها با یخ یا برف

کسی که وضو می‌گیرد، اگر صورت و دست‌ها را با یخ مسح کند؛ یعنی یخ را بر روی مواضع وضو بکشد، به طوری که رطوبت سرایت کند و صورت و دست‌ها خیس شود؛ مانند حالتی که روغن مالی می‌کند، وضوی او صحیح است و اگر غیر از این روش باشد وضو مجزی و مکفی نیست. البته شافعی چنین وضویی را مجزی نمی‌داند.<sup>۱۸</sup>

دلیل امامیه بر این مطلب، آیه شریفه ﴿فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ﴾<sup>۱۹</sup> است که در آیه، امر به غَسَل (= شستن) شده است. اگر مسمای غَسَل، هر چند خفیف و کم، صورت بگیرد وضو صحیح است.<sup>۲۰</sup>

### وضو با آب گرم

آبی که با آتش گرم شده، به عقیده همه فقها می‌توان با آن وضو ساخت، هر چند مجاهد این فعل را مکروه شمرده است.

اما آبی که به واسطه گرمای خورشید گرم شده، به اتفاق همه فقها، وضو با آن مکروه است.<sup>۲۱</sup>

### وضو با مایعاتی غیر از آب

وضو با مایعاتی غیر از آب، از دیدگاه جمیع فقها جایز نیست و چنین وضویی باطل است. در این میان، اصم آن را جایز دانسته<sup>۲۲</sup> و برخی از علمای امامیه وضو با گلاب را صحیح می‌دانند.

دلیل امامیه بر این سخن، آیه شریفه است که هنگام نداشتن آب مطلق، مکلف را به تیمم رجوع داده و وظیفه را تیمم با خاک و آنچه تیمم بر آن صحیح است، می‌داند.<sup>۲۳</sup>

### وضو با مایعات مست کننده

وضو با شراب و مایعات مسکر [= مست کننده] جایز نیست؛ خواه خام باشد، خواه پخته. هر چند ابوحنیفه وضو با نبید [= شراب] خرما هنگام نداشتن آب را، اگر پخته شده باشد، جایز دانسته است.<sup>۲۴</sup> برخی دیگر از عامه نیز در این صورت وضو با آن و سپس تیمم کردن را واجب شمرده‌اند. دلیل امامیه بر این گفتار، همان آیه شریفه موسوم به تیمم است که در هنگام فقدان آب، وظیفه واجب را تیمم می‌داند.<sup>۲۵</sup>

### وضو با آب تغییر یافته

اگر چیزی با آب مخلوط شود و رنگ، بو و طعم آن را تغییر دهد و در صورتی که آن شیء از چیزهای پاک بوده، وضو با چنین آبی جایز است به این شرط که آب را از اطلاق خارج نکرده و به آب مضاف تبدیل نکند. و اگر آب از حالت مطلق بودن خارج شود و یا شیء مخلوط شده از نجاسات بوده و حالت‌های سه‌گانه آب را تغییر دهد به هیچ عنوان وضو با آن آب جایز نیست.<sup>۲۶</sup>

### نواقض وضو نزد فریقین

در این مبحث، به مبطلات و موجبات وضو در نزد عامه و امامیه می‌پردازیم و مطالب خود را به صورت سلسله وار؛ از ناقضات وضو و دیدگاه مذاهب اسلامی در مورد آن، پی می‌گیریم:

#### بول، غایط، ریح

تمام گروه‌های اسلامی اتفاق نظریه دارند که خارج شدن بول و غایط (= مدفوع) و ریح (= باد) وضو را باطل می‌کند اما به نظر شافعی‌ها، حنبلی‌ها و حنفی‌ها بیرون آمدن کرم، ریگ، خون و چرک نیز ناقض وضو است.

مالکی‌ها بر این باورند که اگر موارد یاد شده از معده به وجود آمده باشد مبطل است و هرگاه از معده به وجود نیاید؛ مانند اینکه سنگ خورده و از مخرج بیرون آمده، مبطل نیست.

امامیه نیز گفته‌اند: اگر به کثافات معده ملوث و آلوده شده باشد وضو را باطل می‌کند و الا مبطل و ناقض وضو نیست.<sup>۲۷</sup>



هنی

امامیه بر این عقیده‌اند که منی موجب غسل می‌شود نه وضو<sup>۲۸</sup> و اما نزد حنفیه و حنابله و مالکیه با بیرون آمدن منی وضو باطل می‌شود ولی نزد شافعیه وضو هم باطل نمی‌شود.<sup>۲۹</sup>

وذی

تمام مذاهب عامه معتقدند مذی و وذی وضو را باطل می‌کند ولی امامیه این دو مورد را مبطل نمی‌شمارند، البته مالکیه استثنا کرده، می‌گویند: اگر کسی عادت به آمدن مذی داشته باشد وضو را باطل نمی‌کند.<sup>۳۰</sup>

زایل شدن عقل

نزد تمام مذاهب عامه و امامیه از میان رفتن عقل؛ چه از مستی، جنون، بی‌هوشی یا اغما وضو را باطل می‌کند.<sup>۳۱</sup>

نوم

در مورد «نوم» (= خوابیدن) دیدگاهها و نظراتی با تفصیل زیر وجود دارد:  
امامیه بر این عقیده‌اند که: خوابیدن به گونه‌ای که خواب بر گوش و چشم غالب شود و مانع از شنیدن و دیدن گردد وضو را باطل می‌کند<sup>۳۲</sup> و فرقی نمی‌کند که این خوابیدن در حال ایستاده یا نشسته و یا در حال رکوع و سجده و در اثنای ادای نماز باشد.  
حنفیه و حنابله نیز بر این باورند که اگر شخصی که وضو دارد، دراز بکشد یا به کسی تکیه کند یا به یکی از دو پایش متکی باشد و بخوابد، وضویش باطل است و همچنین هرگاه نشسته یا ایستاده یا در حال رکوع یا در حال سجود بخوابد وضویش باطل نمی‌شود اگرچه خوابش طولانی شود.  
مالکی‌ها می‌گویند: اگر خوابش طول بکشد وضویش باطل می‌شود و در غیر این صورت وضوی او باطل نیست.

شافعی‌ها نیز بر این عقیده‌اند که اگر محل خروج باد محکم باشد؛ به طوری که شبیه دهانه بطری بسته باشد و بخوابد وضویش باطل نمی‌شود.<sup>۳۳</sup>

لمس

امامیه لمس و مس بدن زن را مبطل وضو نمی‌دانند و اگر شخصی که وضو می‌گیرد، جایی از

عورتین خویش را نیز بدون حائل و مانع مس کند وضویش صحیح است. شافعی‌ها معتقدند: اگر شخص وضو گیرنده زن اجنبیه را بدون حایل مس کند، وضوی او باطل می‌شود اما اگر زن، اجنبیه نبوده و از محارم باشد؛ مانند خواهر یا مادر، وضویش صحیح است و اما اگر عورتین خویش را مس و لمس کند وضویش باطل است. حنفیه پیرامون لمس اجنبیه به این شرط که از نظر جنسی تحریک نیز بشود وضو را باطل شمرده و درباره لمس عورتین آن را مبطل نمی‌دانند. حنابله لمس اجنبیه و عورتین را برای وضو گیرنده مطلقاً مبطل می‌دانند. مالکی‌ها در مورد لمس عورتین شخصی که وضو می‌گیرد، این تفصیل را قائل شده است که اگر با کف دست لمس صورت گیرد وضو باطل و اگر با پشت دست باشد وضو صحیح است.<sup>۳۴</sup>

قی (=استفراغ)

دم (=خون)

قیح (=زخم چرک کرده یا زخمی که چرک از آن روان شده است).<sup>۳۵</sup>

استفراغ؛ زیاد باشد یا کم، به نظر امامیه، منقض وضو نیست و همچنین است حکم در مورد هر چیزی که از غیر دو مخرج بول و غایط خارج شود؛ مانند خون، چرک و یا خونابه. شافعی‌ها و مالکی‌ها نیز این گفتار را پذیرفته‌اند.

اما استفراغ در نزد حنابله مطلقاً مبطل است و حنفیه نیز در صورتی که هنگام قی دهان پر شود، آن را مبطل می‌دانند. همچنین «خون» و «قیح» در نزد حنابله به شرط کثرت و زیادی مبطل و در نزد حنفیه به شرط روان شدن مبطل است.<sup>۳۶</sup>

قهقهه (= خنده صدا دار)

از نظر امامیه، قهقهه وضو را باطل نمی‌کند، هر چند مبطل نماز است. شافعیه، مالکیه و حنابله نیز با امامیه موافق‌اند. اما حنفی‌ها می‌گویند: قهقهه در نماز، وضو را هم باطل می‌کند.<sup>۳۷</sup>

خوردن گوشت شتر

فقط حنبلی‌ها بر این عقیده‌اند که خوردن گوشت شتر وضو را باطل می‌کند.<sup>۳۸</sup>

خون استحاضه

اکثر امامیه و عامه بر این عقیده‌اند که زن اگر صاحب استحاضه قلیله باشد واجب است وضو

بگیرد، غیر از ابن ابی عقیل از امامیه و مالک از عامّه که این را نپذیرفته و وضوی مستحاضهٔ قلیله را واجب ندانسته‌اند.<sup>۳۹</sup>

### خوردن آنچه با آتش پخته شده

ناقض نبودن عمل فوق، عقیدهٔ همه فقها است،<sup>۴۰</sup> مگر قلیلی همچون: ابوموسی اشعری، اباطلحه، عایشه و... که این فعل را ناقض وضو می‌دانند.<sup>۴۱</sup>

## موارد وجوب وضو نزد فریقین:

### نمازهای واجب و مستحب

این وجوب، میان تمام فرق اسلامی اتفاقی است با این استثنا که امامیه برای نماز میت وضو را شرط صحت ندانسته و آن را شرط کمال عمل می‌دانند و وضو در نماز میت را که در حقیقت، گونه‌ای از دعاست، مستحب می‌شمارند.<sup>۴۲</sup>

### طواف

طواف خانهٔ خدا (کعبهٔ مکرمه) مانند نماز است و در لسان روایات از رسول گرامی اسلام نازل به منزلهٔ نماز قرار داده شده است. اما حنفی‌ها در مورد طواف اختلاف نظر داشته و وضو را شرط صحت طواف نمی‌دانند هر چند اگر کسی بدون وضو طواف کند در نظر ایشان گناهکار است.<sup>۴۳</sup>

### سجدهٔ سوره‌های عزائم و سجدهٔ شکر

عامّه در اینکه وضو برای انجام سجده در سوره‌های عزائم و نیز سجدهٔ شکر واجب است، اتفاق دارند، اما امامیه وضو را مستحب و شرط کمال عمل می‌دانند.<sup>۴۴</sup>

### مس قرآن کریم

فریقین در این که برای مس و لمس قرآن کریم گرفتن وضو واجب است متفق‌اند، اما در مورد این وجوب، برای کتابت مصحف شریف اختلافاتی وجود دارد.<sup>۴۵</sup>

با این همه، یکی از بهترین حالت‌ها و نورانی‌ترین صورت‌ها برای انسان مؤمن، دائم الوضو بودن است که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید و سفارش شده و از آن می‌توان استفادهٔ استحباب وضو در تمامی

حالات را دریافت کرد.

## شرایط وضو از دیدگاه فریقین

از دیگر موضوعاتی که میان شیعه و اهل سنت اختلاف وجود دارد، شرایط وضو است. شرط‌هایی که در وضو لحاظ شده، سه دسته است:

شرایط وجوب وضو؛ به تعبیر دیگر، شرایطی که اگر موجود نباشد وضو واجب نمی‌شود:

**الف) بلوغ؛** و آن، نخستین شرط وجوب وضو است. پس شخصی که می‌خواهد وضو بسازد، باید بالغ باشد. با این حساب، وضو بر هیچ مذکر یا مؤنثی که به سن بلوغ نرسیده، واجب نیست.

**ب) دخول وقت نماز؛** شرط دیگر وجوب وضو است. از آنجا که دخول وقت نماز شرط وجوب وضو است؛ وضویی که قبل از وقت نیز انجام شود صحیح است، مگر اینکه شخص، معذور و بیمار باشد که در این صورت باید حتماً وقت داخل شود تا وضو بسازد.

مالکی‌ها بر این باورند که وضوی معذور نیز قبل و بعد از دخول وقت صحیح است.

حنفی‌ها می‌گویند وضوی معذور قبل از دخول وقت، به شرط بقاء، صحیح است.

**ج) قدرت؛** سومین شرط وجوب وضو، قادر بودن بر انجام افعال وضو است. بنابراین، وضو بر افرادی که قادر بر انجام آن نیستند واجب نمی‌شود.<sup>۴۶</sup>

شرایط صحت وضو از دیدگاه اجماعیه:

**الف) طهارت (و پاک بودن) آب وضو.**

**ب) مطلق بودن آب وضو؛** یعنی این که آب وضو، مضاف با مایع دیگری نبوده و از آب میوه و... نباشد.

**ج) طهارت و پاک بودن اعضای وضو.**

**د) مباح (= غصبی نبودن) مکان متوضی و ظروفی که برای وضو استفاده می‌شود.**

**ه) عدم وجود مانع برای رسیدن آب به اعضای وضو.**

**و) عدم وجود مانع، چون بیماری برای استفاده آب.**

**ز) نیت که همان قصد قربت برای انجام امر الهی است.**

**ح) مباشرت در افعال وضو؛** یعنی این که خود به طور مستقیم این کار را انجام دهد و دیگری در این کار به او کمک نکند، مگر در حال اضطرار.

**ط ( موالات: یعنی پشت سر هم انجام دادن افعال وضو**

**ی ( ترتیب: یعنی به ترتیبی که در آیه شریفه مسبوق الذکر بیان شده است وضو ساخته شود.**<sup>۴۷</sup>  
اینها شروطِ صحتی است که امامیه برای وضو، طبق روایات اهل بیت علیهم السلام بیان کرده‌اند و اما عامه در برخی از این شروط صحت با امامیه اختلاف نظر دارند که بیان خواهد شد:  
در وجوب مطلق بودن آب وضو، نزد فرق عامه اختلاف نظری بدین ترتیب وجود دارد:  
شافعیه، مالکیه و حنابله با امامیه در این شرط (مطلق بودن آب وضو) اتفاق نظر دارند.  
اما حنفیه وضو و غسل با سرکه (= نیبذ) خرما را در حال سفر و هنگامی که آب مطلق وجود دارد، جایز دانسته‌اند، هر چند عده دیگری از فقهای عامه همچون حسن بصری و... این فعل را مکروه شمرده‌اند.<sup>۴۸</sup>

در شروط دیگر نیز برخی از فقهای عامه اختلاف نظری با امامیه دارند؛ به عنوان نمونه، امامیه مباح بودن مکان، ظرف و آب وضو را شرط صحت دانسته‌اند ولی این شرط از دیدگاه عامه شرطی است که اگر حاصل نشد متوضی گناهکار و عاصی خواهد بود اما وضوی او صحیح است.<sup>۴۹</sup>  
اختلافات احتمالی دیگری که در شروط صحت؛ مثل ترتیب، موالات، مباشرت و... وجود دارد، در مبحث واجبات و فرایض وضو خواهد آمد.

### شرایط دوگانه وجوب و صحت

در نظر تمام فرق اسلامی، «عقل» از جمله شرایط وجوب و صحت در وضو است؛ هر چند برخی از فقها عقل را جزو شرایط وجوب دانسته‌اند.<sup>۵۰</sup>  
و از دیگر شروط آن می‌توان به «بلوغ» اشاره کرد که شرح این شرط نیز در قسم اول از شرایط «وجوب وضو» گذشت.

### واجبات وضو نزد فریقین

برای وضو فرایض و واجباتی گفته‌اند که بین اتیان این فرایض در نزد فریقین اختلافاتی وجود دارد. هر چند از این موضوع نیز نباید غفلت ورزید که در اتیان این واجبات موارد اتفاقی هم نزد فریقین وجود دارد که به این اختلافات و اتفاقات پرداخته خواهد شد.

نیت

مراد همان قصد انجام فعل با انگیزه اطاعت و امتثال دستور خداوند متعال است که بین فقها اتیان

آن متفق علیه است، که باید قبل از ورود به طهارت‌های سه گانه (وضو، غسل و تیمم) حاصل شود.<sup>۵۱</sup> تنها نظریه مخالف در این موضوع منسوب به فرقه حنفیه است که صحت نماز را متوقف بر وضوی با نیت ندانسته‌اند و هرگاه طهارت حاصل شود ولو به قصد خنک شدن کفایت می‌کند.<sup>۵۲</sup>

### غسل الوجه

شستن صورت، دومین واجب و فریضه در افعال واجب وضو است. مقصود از آن، جاری شدن آب روی صورت است که یک مرتبه واجب است. هر چند پیرامون محدوده صورت بین فرق اسلامی اختلاف نظر وجود دارد: امامیه محدوده واجب در شستن صورت، از رویشگاه موی سر (بالای پیشانی) تا انتها و پایین چانه، از جهت طول می‌باشد و مابین انگشت ابهام و شست از جهت عرض می‌داند.<sup>۵۳</sup> اما شافعیه در ناحیه شست و شوی طول، تا پایین و زیر چانه را واجب و در ناحیه عرض، از لاله گوش تا لاله گوش را واجب دانسته‌اند.<sup>۵۴</sup> مالکیه در محدوده شست و شو با امامیه موافق‌اند.<sup>۵۵</sup> حنابله و حنفیه نیز در جهت طول با امامیه و در جهت عرض با شافعیه موافق‌اند.<sup>۵۶</sup>

### غسل الیدین

میان امامیه و عامه در اینکه برای ساختن وضو، شستن دست‌ها با مرافق (آرنج‌ها) یک مرتبه واجب است، اتفاق نظر وجود دارد.<sup>۵۷</sup> هر چند در مورد روش و کیفیت شستن دست‌ها، اختلاف دارند. امامیه شستن از بالا به پایین را واجب و خلاف آن را غیر صحیح دانسته‌اند اما عامه آن را مجزی و مجوز دخول در نماز می‌دانند.<sup>۵۸</sup>

مسح الرأس؛ که همان کشیدن دست بر روی سر است.

امامیه: مسح مقداری از جلوی سر، که اسم مسح بر آن صدق کند، واجب و مجزی است و گونه‌های دیگر؛ همچون شستن یا آب پاشیدن و... مکفی نیست. اما عامه نظرات مختلف و متفاوتی در این واجب دارند: حنابله: مسح تمام سر و حتی گوشها را واجب می‌دانند. مالکیه: تمام سر را جزو واجب مسح می‌دانند.

حنفیه: یک چهارم سر جزو واجب مسح است و می توان سر را در آب فرو برد یا آب روی آن ریخت. شافعیه: محدوده واجب مقداری از سر است، هر چند کم باشد؛ حال مسح کند یا بشوید یا آب پاشد تفاوتی ندارد.<sup>۵۹</sup>

## پاها

هر چهار مذهب عامه، وظیفه واجب در پاها را شستن آنها همراه با کعبین (برآمدگی روی پاها) یک مرتبه واجب می دانند. اما امامیه، وظیفه واجب در پاها را، مسح آنها با اضافه آب وضو از سر انگشتان تا کعبین (برآمدگی روی پاها) یک مرتبه واجب دانسته اند.<sup>۶۰</sup>

## ترتیب

وجوب ترتیب در اعضا و افعال وضو بدین معناست که چیدمان واجبات وضو از غسل تا مسح، طبق آیه شریفه<sup>۶۱</sup> انجام شود.

بنابراین، باید شستن از صورت شروع شده و بعد دست ها، سر و به پاها ختم شود.

امامیه، حنبله و شافعیه در این ترتیب موافق اند.

اما مالکیه و حنفیه ترتیب مذکور را واجب ندانسته اند و بنا به گفته ایشان می توان وضو را از پاها شروع کرد و به صورت ختم کرد.<sup>۶۲</sup>

## موالات

مراد از «موالات» همان پی در پی بودن افعال وضو، بدون فاصله زمانی معنی به (وقابل توجه) است.

موالات از واجبات وضو نزد امامیه است و شرط آن این است که هنگام وضو و شروع شست و شو یا مسح عضو بعدی، عضو قبلی به صورت عادی خشک نشده باشد.<sup>۶۳</sup>

در این اشتراط حنبله نیز با امامیه موافق اند.<sup>۶۴</sup>

حنفیه و شافعیه در مورد موالات بر این باورند که آن واجب نیست، لیکن فاصله انداختن میان

اعضای وضو، بدون عذر، مکروه است که این کراهت نیز همراه با عذر برطرف می شود.

مالکیه معتقدند موالات در صورتی واجب است که شخص انجام دهنده وضو نسبت به وضو ملتفت و آگاه باشد و چیزی که در خیال او بوده پیش نیاید؛ مانند آبی که برای وضو ریخته است رها کرده و بعد از مدتی هر چند طولانی بازگشته و وضو را تمام کند.<sup>۶۵</sup>

## دیدگاه فریقین پیرامون وضوی تجدیدی

یکی از موضوعات مورد بحث در نزد فقها، وضوی تجدیدی است؛ وضوی تجدیدی بدین معناست که متوضی با داشتن طهارت قبلی، مجدداً وضو بگیرد که در آموزه‌های دینی نیز به آن توصیه و سفارش شده است. پیامبر خدا ﷺ می‌فرمایند:

«الْوُضُوءُ عَلَى الْوُضُوءِ نُورٌ عَلَى نُورٍ، وَمَنْ جَدَّدَ وَضُوءَهُ مِنْ غَيْرِ حَدَثٍ، جَدَّدَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ مِنْ غَيْرِ اسْتِغْفَارٍ»<sup>۶۶</sup>

«وضو ساختن بر روی وضوی قبل، نور است بر نور و هر کس بدون اینکه وضویش باطل شود وضو بگیرد، خداوند بدون طلب مغفرت، توبه او را می‌پذیرد.»

پرسشی که در اینجا می‌توان طرح کرد این است که آیا وضوی تجدیدی، پی‌درپی گرفتن وضو است؟ و یا باید به واسطه یک عمل واجب و یا مستحب، بین وضو فاصله بیندازد تا اطلاق وضوی تجدیدی صدق کند؟

در این باره بین فریقین در نظرات اختلافاتی وجود دارد:

### دیدگاه عامه

فقهای عامه در این باره نظرات متفاوتی دارند که محیی الدین نووی پنج صورت را برای این موضوع تصویر کرده است:

علمای عامه بر استحباب تجدید وضو اتفاق نظر دارند و مراد این است که شخص وضو دارد و بدون عارض شدن حدث، بار دیگر وضو بسازد اما اینکه این استحباب چه زمانی تحقق می‌یابد، پنج نظریه در آن وجود دارد:

۱. با وضوی اول نماز واجب یا مستحب را بجا آورد و بعد وضو بگیرد، در این هنگام مستحب است و در غیر این صورت خیر، که این قول را بنحوی اختیار کرده است.
۲. با وضوی اول نماز واجبی بخواند و سپس وضو بسازد تا استحباب حاصل شود. که این عقیده فورانی نیز هست.
۳. در جایی وضوی تجدیدی مستحب است که متوضی با وضوی اول کاری که برای آن وضو قصد شده بود انجام دهد و گرنه استحبابی نیست این گفتار شاشی است.
۴. اگر با وضوی اول نمازی بجا آورد و یا سجده واجبی انجام داد و یا قرآنی تلاوت کرد وضوی



بعدی مستحب است و در غیر این صورت خیر. این نظریه مربوط به جوینی است.  
 ۵. وضوی دوم مستحب است حتی اگر با وضوی اول، فعلی را که نیاز به وضو داشته انجام نداده است؛ به شرطی که زمانی معنی به بین وضوی اول و دوم فاصله شود و الا (اگر زمانی فاصله نشود) و فوراً وضو بسازد، وضوی دوم صحیح نبوده و حکم شستن اعضای وضو برای مرتبه چهارم را دارد.  
 محیی الدین نووی در پایان، نظریه اول را اصح دانسته و آن را می پذیرد؛ یعنی در جایی استجاب ثابت است که بین دو وضو فعل واجب یا مستحب فاصله شود.<sup>۶۷</sup>

### دیدگاه امامیه

بسیاری از فقهای امامیه وضوی تجدیدی را جایز شمرده و برخی آن را مستحب می دانند؛ هر چند در مقابل این آرا، نظریات دیگری نیز وجود دارد. جان کلام در این است که آیا از منظر فقهی، احتمال تجدید وضو بدون استجاب، بدعت نیز محسوب خواهد شد یا خیر؟! با این حساب می توان به دو مبنای فقهی ذیل اشاره کرد:

### آنانکه وضوی تجدیدی را جایز می دانند

گروهی از فقهای امامیه تجدید وضو را جایز و بلکه آن را مستحب دانسته اند و حتی افضل و دارای اجر مضاعف در نزد پروردگار شمرده اند. علامه حلی می فرماید:  
 تجدید وضو برای هر نماز افضل است.<sup>۶۸</sup>  
 مرحوم آیت الله حکیم بر این امر اشاره کرده و دلیل خویش را اطلاق روایت مفضل بن عمر دانسته است.  
 ظاهراً تجدید وضو، برای مرتبه سوم و چهارم و بالاتر جایز است؛<sup>۶۹</sup> چرا که روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام مطلق است:

«مَنْ جَدَّدَ وَضُوءَهُ لِعَيْرِ حَدِيثٍ، جَدَّدَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ مِنْ غَيْرِ اسْتِغْفَارٍ»<sup>۷۰</sup>

«هر کس وضویش را بی آنکه باطل شود تجدید کند، خداوند توبه اش را بدون استغفار تجدید می کند.»

## هائین وضوی تجدیدی

گروهی از فقهای امامیه برای تکرار وضو حدّ و مرز قائل شده و تجدید آن، بیش از دو بار را جایز نمی‌دانند. شیخ صدوق در مورد تجدید وضوی بدون دلیل برای نمازها، بر این باور است که اگر بیش از دو مرتبه انجام شود، مانند اذان نماز عصر که اگر به سه مرتبه رسید، بدعت خواهد بود. ایشان می‌نویسند:

«اخبار و روایاتی که تجدید وضو اضافه بر دو مرتبه را بدون اجر دانسته‌اند، گفتار ما را تأیید می‌کند و مراد این است که وضو پس از وضو اجری در پی نخواهد داشت؛ مثل اذان که هر کس نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه خواند کفایت می‌کند.»<sup>۷۱</sup> و هر کس برای نماز عصر اذان دیگری گفت دارای فضیلت بیشتری است و اما اذان سوم بدعت بوده و هیچ پاداش و اجری ندارد. با توجه به آنچه بیان شد، دو نظریه پیرامون وضوی تجدیدی در فقه امامیه بیان گردید که یکی طرفدار اطلاق بود و دیگری تجدید را مقید می‌دانست.

## وضوی جبیره‌ای از منظر فریقین

کسی که می‌خواهد وضوی جبیره‌ای بگیرد، اگر بر یک یا چند محل شست و شو و یا مسح در وضو، جبیره وجود داشته باشد؛ (جبیره همان چیزی است که با آن زخم را می‌پوشانند و یا می‌بندند)، دو حالت برایش متصور است: الف) اگر می‌تواند جبیره را برداشته و مکان و عضو را بشوید، واجب است این کار را انجام دهد و به وظیفه‌اش عمل کند.<sup>۷۲</sup>

ب) اگر نمی‌تواند جبیره را بردارد؛ به این خاطر که ترس نابودی یا افزایش بیماری را دارد، بر موضع جبیره مسح کند و در بقیه اعضا، وضوی خود را کامل سازد و نماز را به جا آورد که در این صورت، دیگر اعاده‌ای هم بر عهده او نخواهد بود.<sup>۷۳</sup>

ابوحنیفه و پیروانش و همچنین شافعی و پیروانش نیز بر همین عقیده بوده و با امامیه موافق‌اند.<sup>۸۴</sup> استدلال امامیه به گفتار خویش، حرجی بودن برداشتن جبیره، اجماع و همچنین روایات اهل بیت علیهم‌السلام در این باره می‌باشد.

## حکم مسح بر جبائر

در این باره که آیا می توان به جبیره در حالتی که طاهر نیز نباشد مسح کرد یا خیر؟! دو نظریه وجود دارد:

امامیه بر این عقیده اند که مکلف می تواند بر جبیره مسح کند، حتی اگر طاهر نباشد به این شرط که مسح تمامی جبیره را فرا بگیرد و نیز می تواند با آن، نمازهای متعدد بخواند و نیازی به اعاده نیز ندارد.<sup>۷۵</sup> هر چند شافعی مسح بر جبیره را فقط به شرط طهر و پاک بودن جایز شمرده و در بین عامه، در مورد جواز نمازهای متعدد و الزام بر اعاده و یا قضا، آرای متفاوتی وجود دارد.<sup>۷۶</sup>

## پی نوشت ها:

۱. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، «شرح صحیح مسلم» ج ۳، ص ۷۷۱؛ طبری، محمد بن جریر «جامع البیان» ص ۶.
۲. طبری، محمد بن جریر «تاریخ الامم و الملوک» ج ۳، ص ۲۷۵.
۳. مانده (۵): ۶.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسین «وسائل الشیعه» ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۸۲۹، باب اول از ابواب وضو.
۵. حصفکی، علاء الدین «الدر المختار» ج ۱، ص ۹۷.
۶. ابن کثیر، ابی الفداء اسماعیل بن کثیر «السیرة النبویه» ج ۱، ص ۴۲۸.
۷. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر «خصائص الکبری» ج ۱ ص ۲۳۳.
۸. متقی هندی، علاء الدین علی ابن حسام الدین «کنز العمال» ج ۹، ح ۲۶۸۹.
۹. مسلم، ابی الحسین مسلم بن حجاج «صحیح مسلم» ج ۳، ص ۱۱۳.
۱۰. هبثی، نورالدین بن ابی بکر «بغیة الباحث» ص ۴۰.
۱۱. «إني رأيت رسول الله ﷺ توضعاً مثل وضوئي هذا» ابی داوود، سلیمان بن اشعث «صحیح مسلم» ج ۳، ص ۱۱۳.
۱۲. ابی داود، سلیمان بن اشعث «سنن ابن داود» ج ۱، ص ۳۶، ح ۱۲۴.
۱۳. ابن قدامه، احمد بن محمد «المغنی» ج ۱، ص ۱۱۸.
۱۴. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین «کنز العمال»، ج ۹، صص ۴۴۳ و ۴۴۴.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب «اصول کافی» ج ۳، ص ۲۶.
۱۶. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، «المجموع» ج ۱، ص ۹۱.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن «الخلاف» ج ۱، ص ۵۱.
۱۸. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، «المجموع» ج ۱، ص ۸۱.
۱۹. مانده (۵): ۶.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن «الخلاف» ج ۱، ص ۵۳.
۲۱. همان.

۲۲. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، «المجموع» ج ۱، ص ۹۳؛ فخر رازی، محمد بن عمر «مفاتیح الغیب» ج ۱۱، ص ۱۶۹
۲۳. طوسی، محمد بن حسن «الخلاف» ج ۱، ص ۵۳
۲۴. سرخسی، محمد بن احمد، «المبسوط» ج ۱، ص ۸۸؛ کاشانی، علاء الدین بن مسعود، «بدائع الصنائع» ج ۱، ص ۱۷
۲۵. طوسی، محمد بن حسن «الخلاف» ج ۱، ص ۵۷
۲۶. همان مدرک، ص ۵۸
۲۷. مغنیه، محمد جواد «الفرقہ علی المذاهب الخمسه» ج ۱، ص ۲۸
۲۸. طوسی، محمد بن حسن، «الجمل و العقود فی العبادات» ص ۴۱
۲۹. مغنیه، محمد جواد «الفرقہ علی المذاهب الخمسه» ج ۱، ص ۳۰
۳۰. همان.
۳۱. همان.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، «الجمل و العقود فی العبادات» ص ۴۱؛ شریف مرتضی، علی بن حسین «الانتصار» ص ۱۲۰؛ شریف مرتضی، علی بن حسین «جمل العلم و العمل» ص ۵۱
۳۳. مغنیه، محمد جواد «الفرقہ علی المذاهب الخمسه» ج ۱، ص ۳۱؛ طوسی، محمد بن حسن «الخلاف» ج ۱، ص ۱۱۰؛ سرخسی، محمد بن احمد «المبسوط» ج ۱، ص ۶۷؛ کاشانی، علاء الدین بن مسعود، «بدائع الصنائع» ج ۱، ص ۳۰
۳۴. همان، ص ۳۲
۳۵. بستانی، فؤاد افرام «فرهنگ ابجدی» ص ۱۰۸
۳۶. مغنیه، محمد جواد «الفرقہ علی المذاهب الخمسه» ج ۱، ص ۳۲
۳۷. طوسی، محمد بن حسن «الخلاف» ج ۱، ص ۱۲۲؛ مغنیه، محمد جواد «الفرقہ علی المذاهب الخمسه» ج ۱، ص ۳۲؛ سرخسی محمد بن احمد «المبسوط» ج ۱، ص ۷۷؛ کاشانی، علاء الدین بن مسعود «بدائع الصنائع» ج ۱، ص ۳۲
۳۸. همان.
۳۹. مغنیه، محمد جواد «الفرقہ علی المذاهب الخمسه» ج ۱، ص ۳۲؛ شریف، مرتضی، علی بن حسین «جمل العلم و العمل» ص ۵۱؛ طوسی، محمد بن حسن «الجمل و العقود فی العبادات» ص ۴۲
۴۰. طوسی، محمد بن حسن «الخلاف» ج ۱، ص ۱۲۳
۴۱. ابن حزم، احمد بن سعید «المحلّی» ج ۱، ص ۲۴۳
۴۲. مغنیه، محمد جواد «الفرقہ علی المذاهب الخمسه» ج ۱، ص ۳۳
۴۳. همان.
۴۴. همان، ص ۳۴
۴۵. همان، ص ۳۵
۴۶. جزیری، عبدالرحمان، «الفرقہ علی المذاهب الاربعه و مذاهب اهل البيت (علیهم السلام)» ج ۱، ص ۱۱۶
۴۷. همان.
۴۸. همان، ص ۱۱۹
۴۹. نووی، محیی الدین یحیی بن شرف، «المجموع» ج ۱، ص ۲۵۱

٥٠. جزيري، عبدالرحمن، «الفرق على المذاهب الاربعه و مذاهب اهل البيت (عليهم السلام)» ج ١، ص ١١٩
٥١. مغنيه، محمد جواد «الفرق على المذاهب الخمسه» ج ١، ص ٣٥؛ طوسي، محمد بن حسن «الخلافا» ج ١، ص ٧١
٥٢. سرخسي، محمد بن احمد، «المبسوط» ج ١، ص ٧٢؛ فخر رازي، محمد بن عمر، «مفاتيح الغيب» ج ١١، ص ١٥٣
٥٣. طوسي، محمد بن حسن «الخلافا» ج ١، ص ٧٧؛ مغنيه، محمد جواد «الفرق على المذاهب الخمسه» ج ١، ص ٣٥
٥٤. شافعي، محمد بن ادريس «الأم» ج ١، ص ٢٥
٥٥. ابن رشد، محمد بن احمد «بداية المجتهد» ج ١، ص ٥٠
٥٦. سرخسي، محمد بن احمد «المبسوط» ج ١، ص ٦
٥٧. مغنيه، محمد جواد «الفرق على المذاهب الخمسه» ج ١، ص ٣٦؛ سرخسي، محمد بن احمد «المبسوط» ج ١، ص ٦
٥٨. همان.
٥٩. همان.
٦٠. همان.
٦١. مائده (٥) : ٦
٦٢. مغنيه، محمد جواد «الفرق على المذاهب الخمسه» ج ١، ص ٣٧؛ سرخسي، محمد بن احمد، «المبسوط» ج ١، ص ٥٥؛ جصاص، احمد بن علي «احكام القرآن»، ج ٢، ص ٣٦٠
٦٣. امام خميني، سيد روح الله «توضيح المسائل» مسألة ٢٨٣
٦٤. مغنيه، محمد جواد «الفرق على المذاهب الخمسه» ج ١، ص ٣٨؛ سرخسي، محمد بن احمد «المبسوط» ج ١، ص ٥٦؛ كاشاني، علاء الدين بن مسعود «بدائع الصنائع» ج ١، ص ٢٢
٦٥. همان، ص ٣٩
٦٦. علامه حلي، حسن بن يوسف «تذكرة الفقهاء» ج ١، ص ٢٠٥
٦٧. «اتفق أصحابنا على استحباب تجديد الوضوء و هو أن يكون على وضوء ثم يتوضأ من غير أن يحدث، ومتى يستحب؟ فيه خمسة أوجه...» نووي، محيي الدين يحيى بن شرف، «المجموع» ج ١، ص ٤٦٩
٦٨. «ولو جدد الوضوء لكل صلاة كان أفضل»، محقق حلي، جعفر بن حسن «المعتبر» ج ١، ص ١٦٣
٦٩. «الوضوء للتجديد و الظاهر جوازه ثالثاً و رابعاً فصاعداً»، حكيم، سيد محسن «مستمسك العروة الوثقى» ج ٢، ص ٢٩٤
٧٠. حرّ عاملي، محمد بن حسن «وسائل الشيعه» باب ٨، من ابواب الوضوء، ح ٧
٧١. «والخبر الذي روي: «أن من زاد على مرتين لم يؤجر...» ، علامه حلي، حسن بن يوسف «مختلف الشيعه» ج ١، ص ٣٠٧
٧٢. طوسي، محمد بن حسن «الخلافا» ج ١، ص ١٥٩؛ امام خميني، سيد روح الله، «توضيح المسائل» مسألة ٣٢٧
٧٣. همان، ص ١٥٩
٧٤. كاشاني، ابي بكر علاء الدين بن مسعود «بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع» ج ١، ص ٥١؛ سرخسي، محمد بن احمد «المبسوط» ج ١، ص ٢٠٩
٧٥. طوسي، محمد بن حسن «الخلافا» ج ١، ص ١٦٠؛ امام خميني، سيد روح الله «توضيح المسائل» مسألة ٣٤٤
٧٦. شافعي، محمد بن ادريس «الأم» ج ١، ص ٤٣؛ نووي، محيي الدين يحيى بن شرف، «المجموع» ج ٢، ص ٣٢٤

